




بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
Bismillah al rahman al rahim



کاربرد هنر در آموزش عربی



لیلا خردمندی

دانشگاه فرهنگیان خوی

برنامه درسی و آموزش هنر در نگاه جهانی

تاریخچه آموزش هنر

الف) نگاهی به گذشته: از ۱۷۴۹ تا ۱۹۵۰ م

آنچه در این بخش آمده است، مروری است بر اهم وقایع، رویدادها، شخصیت ها و آثاری که از قرن هجدهم میلادی تا اواخر قرن بیستم در جریان آموزش هنر تاثیر گذار بوده اند.

۱۷۴۹: بنجامین فرانکلین از گنجاندن درس هنر در برنامه درسی مدارس به دلایل ابزاری-کاربردی دفاع می کند.

۱۸۳۹: هوراس مان، مسئول تشکیلات آموزش و پرورش ماساچوست، برای آشنایی باشیوه طراحی از آلمان بازدید می کند. وی تحت تاثیر آموزش معلمی به نام پیتر اسمیت قرار می گیرد و درس های او را منتشر می کند.

۱۸۴۹: ویلیام مینیفی به آموزش طراحی در دبیرستانی در بالتیمور می پردازد.

اواسط قرن نوزدهم: فول نشریه ای منتشر کردو در آن به تنبیه بدنی و استفاده از نقشه
وتخته سیاه درآموزش پرداخت.وی درمجموع بیش از پنجاه کتاب در زمینه تعلیم و تربیت
سطوح مختلف منتشر ساخت وبه ترجمه یک کتاب اروپایی در زمینه طراحی نیز مبادرت
ورزید.

اواسط قرن نوزدهم: فول نشریه ای منتشر کردو در آن به تنبیه بدنی و استفاده از نقشه
وتخته سیاه درآموزش پرداخت.وی درمجموع بیش از پنجاه کتاب در زمینه تعلیم و تربیت
سطوح مختلف منتشر ساخت وبه ترجمه یک کتاب اروپایی در زمینه طراحی نیز مبادرت
ورزید.

۱۹۰۴:فرلنتس شی چک، هنرمند و معلم اتریشی، کلاس های مخصوص کودکان خود را در مدرسه هنرهای کاربردی وین آغاز می کند. او با ایده طراحی (نقاشی) واقع گرایانه مخالف بود و در عوض از طراحی براساس واکنش های شخصی، خاطرات و تجارت دانش آموزان حمایت می کرد.

۱۹۰۴-۱۹۹۲:آرتور وسلی دو مهم ترین سخنگو با مدافع اهمیت صورت بندی یا ساختار هنر، آنچه امروزه با عنوان «عناصر و اصول هنر» شناخته شده است، مطرح می شود.

۱۹۱۱:دائرة المعارف تعلیم و تربیت، اولین مقاله در زمینه آموزش هنر را که با شرح و بسط بیشتری مطرح شد، به چاپ می رساند.

۱۸۹۹: انجمن ملی تعلیم و تربیت کمیته ای را مامور می کند که چگونگی آموزش طراحی در مدارس دولتی را بررسی کنند.

۱۸۹۶: جان دیویی، در سمت رئیس سازمان تازه تاسیس آموزش در دانشگاه شیکاگو، به راه اندازی آزمایشگاهی می پردازد تا بدین ترتیب نظریه های خود را در کلاس درس و به آزمون بگذارد. نگاه ابزاری و عمل گرایی دیویی به تعلیم و تربیت، در آثار و نوشته های بعدی او آشکار است.

۱۹۰۱: انتشار مجله کتاب هنرهای کاربردی، با ویراستاری جیمز هال مشوق استفاده از پروژه ها و فعالیت هایی بود که نهایتاً به فاصله گرفتن معلمان هنر از روش علمی والت اسمیت منجر می شود.

۱۹۱۲: برای نخستین بار، پنجاه راهنمای هنر در شهر نیویورک مشغول به کارند.

۱۹۱۲: والتر سار جنت از دانشگاه شیکاگو، در کتاب خود به نام هنرهای زیبا و صنعتی در آمریکا بر ضرورت عطف توجه به نیازها و علایق کودکان و همچنین تمایل آنها به خلق هنر تاکید می‌ورزد.

۱۹۲۰-۱۹۳۰: نهضت مطالعه تصاویر را باید مبدا و ریشه تاریخی نهضت دیسپلین محوری در آموزش هنر دانست. در سایه پیشرفت‌هایی که در حوزه فناوری چاپ و همچنین کاربرد تولید رنگی آثار هنری اتفاق افتاد، درک ارزش هنر به بخش مهمی از یک برنامه متعادل آموزش هنر تبدیل می‌شود.

۱۹۲۴: بله بئوس کتاب هنر در مدارس را منتشر می کند و در آن با تمسک به فلسفه هنر کاربردی، به حمایت از مقوله ارزش گذاری هنر می پردازد.

۱۹۲۵: موسسه کارنگی از گزارشی که در زمینه نقش هنر در تعلیم و تربیت تهیه شده بود، حمایت و از موضع افزودن بر محتوای هنر در مدارس پشتیبانی می کند.

۱۹۲۷: انجمن ملی تعلیم و تربیت در نشست سالانه خود در شهر دالاس در ایالت تگزاس، هنر را به منزله یک مبحث اساسی در تعلیم و تربیت به رسمیت می شناسد.

۱۹۳۲: مار گارت ماتیاس کتاب آموزش هنر را منتشر می کند، که کمک شایان توجهی به غنای منابع تخصصی در حوزه آموزش هنر کرد.

۱۹۳۳: پروژه هنر اواتونا در شهر مینه سوتای آمریکا، مبادرت به تولید برنامه ای می کند که نه تنها پاسخگوی مسئولیت ها یا کارکردهای مدرسه ای است، بلکه به نیاز های شهروندی نیز توجه دارد.

۱۹۳۳: در حالی که پروژه اواتونا کار خود را آغاز می کند، معلمان هنر وابسته به دانشکده هنر در آلمان به نام باوهاوس، که هنر و آموزش هنر در آمریکا را به شدت تحت تاثیر قرار داده بودند، از آلمان هیتلری فرار می کنند و در کالجی در ایالت کارولینای شمالی، به ریاست ژوزف البرز، مستقر می شوند.

۱۹۳۸: لئون لویال وینزلو، رئیس بخش هنر مدارس شهر بالتیمور، کتاب برنامه تلفیقی هنر مدارس را منتشر می کند و در آن نشان می دهد که استفاده از هنر به منزله یک کاتالیزور

در یادگیری و تفکر خلاقانه است.

۱۹۴۳: هربرت رید، شاعر و فیلسوف و منتقد انگلیسی، کتاب تعلیم و تربیت از طریق هنر را منتشر می کند و مانند لوئن فلد (ودیویی)، تربیت زیبا شناختی را محور و مرکز منطقی تعلیم و تربیت بر می شمارد.

۱۹۴۷: اثر بزوگ ویکتور لوئن فلد، یعنی رشد خلاق و رشد ذهنی منتشر می شود. این کتاب تاثیر عمیق و گسترده ای در حوزه آموزش هنر از خود به جای گذاشت و هنوز هم مورد توجه است.

۱۹۴۷: انجمن ملی تعلیم و تربیت هنر پایه گذاری می شود. بدین وسیله در منطقه جغرافیایی دیگر در آمریکا (علاوه بر شرق)، انجمن های آموزش هنر شکل گرفت.

۱۹۵۰: جامعه روان شناسان مقوله خلاقیت را بسیار جدی و مهم ارزیابی می کند و

(ب) تاریخ معاصر آموزش هنر؛ ۱۹۵۱ تا ۲۰۰۰ م

اشاره ها و ارجاع ها به تربیت زیبا شناسی در بحث های تربیت هنری اواسط قرن بیستم آغاز شد.

رید همچنان نظر خود را درباره تربیت زیباشناسی به عنوان روشی برای آموزش و پرورش توضیح می داد و ایده های دیویی درباره آموزش مدرسه ای و پداگوژی، هم داستان با مربیان، به پیشرفت گرایی گرایش داشت؛ به رغم اینکه دیویی تمایلی به کاربرد اصطلاح «تعلیم و تربیت پیشرفت گرا» نداشت، اما با مرگ دیویی در سال ۱۹۵۲ و مرگ رید در سال ۱۹۶۸، نظریه پردازان پشتیبانی از مفهومی از تربیت زیبا شناسی را شروع کردند که کمتر جامع و فراگیر بود.

علاقه به تربیت زیبا شناسی به دهه ۱۹۷۰ منتقل شد؛ دهه ای که دهه تربیت زیبا شناسی تلقی می شود.

اگر بتوان دهه ۱۹۵۰ را به عنوان دهه تعیین برنامه کاری برای تربیت زیبا شناسی، دهه ۱۹۶۰ را دهه تولید پیشینه و ادبیاتی که آگاهانیدن از اهمیت نقطه نظرات مربوط به تربیت زیبا شناسی را آغاز کرد و دهه ۱۹۷۰ را دهه واقعیت یافتن برخی از احتمالات و امکانات اجرا در نظر گرفت، دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ به واسطه ابتکار عمل هایی برای ساختن بیش از پیش بر روی بنیان های شکل گرفته و تثبیت شده شاخص شدند.